علیرضا دبیر قهرمان سابق کشتی، عضو شورای شهر تهران:

مسوولان ما «المپیک» را نمی‌شناسند

رضا خانیکی

عکس: عام مردم ایران

پسر محبوب ورزش کشتی، بزرگ‌مرد کوچک لقب گرفته بود. خیلی زود مجبور شد تشک کشتی را برای همیشه ترک کند اما خیلی زود به رینگ سیاست پا گذاشت. در حالی که با محدودیت سنی از انتخابات فدراسیون کشتی محروم شد اما در انتخاباتی بزرگ‌تر موفق حضور در شورای شهر تهران را دریافت کرد. او با ورود به سیاست موافقان و مخالفان بسیاری پیدا کرد. پسر محبوب کشتی ایران با ادامه تحصیل یکی از معدود ورزشکارانی است که تحصیلات عالیه دارد. او این روزها نه بر تشک کشتی که بر صندلی شورای شهر نشسته و لابد می‌اندیشد که مبارزه در کدام یک سخت‌تر است: کشتی یا سیاست.

«شما با تبدیل سازمان تربیت‌بدنی به وزارت ورزش موافق بودید؟

نه

چرا؟

یکسری دلایل خاص خودش را دارد آن موقع هم من مخالفت کردم. قطعا کسی که رییس‌جمهور باشد خیلی راحت‌تر است در بحث‌های عملکردی، درآمدی، هزینه کردن و خروج‌های ارزی و این به نفع ما نمی‌گویم. در بحث‌های هزینه‌های هم دست رییس‌جمهور بازتر از وزارت است. همه شاید خوشحال بودند اما من مخالفت کردم. عملکرد بد و رابطه نادرست روسای سازمان ورزش در آن موقع با مجلس، باعث شد که این قانون تصویب بشود. نماینده‌ها اعتراضشان را نشان دادند این قانون برای اعتراض نماینده‌ها بود. قانون خوبی برای ورزش نبود. ما در ورزش قهرمان زیاد داریم. ورزش با طیف گسترده‌ای از آدم‌ها طرف است از بچه‌ها تا پیرمردها از دانشجو تا بیسواد. همه جور آدمی را شامل می‌شود. من یک چیز در مورد ورزش به شما بگویم، ورزش بعد از دین و مذهب بزرگ‌ترین عاملی است که می‌تواند مردم را دور هم جمع کند و اثرگذار است.

حضور امثال شما که سال‌ها تجربه قهرمانی در ورزش را دارید، در راس ورزش کشور از هر مدیر غیرورزشی دیگر متمم‌تر است. شما دغدغه‌های ورزشی دارید یا دغدغه‌های دیگری؟

اینکه من الان در حوزه‌های مختلف ورود پیدا کرده‌ام قبول دارم. من الان در حوزه‌های عمرانی ورود جدی دارم، از ساخت ابنیه‌ها، بزرگراه‌ها و تونل‌ها که جزییات همه را می‌دانم. تا حوزه‌های فرهنگی و... ورود داشتم. یکی از ۱۵ نفر عضو شورای اسلامی شهر تهران هستم و باید برای دانستن همه اینها وقت می‌گذاشتم و کار را اداره می‌کردم. پس باید این حوزه‌ها ورود داشتم و شاید بتوانم تا ۱۰ حوزه دیگر هم وارد بشوم. ولی یادمان باشد که خاستگاه من ورزش بوده. هرکس خاستگاهی دارد. مثلا باید یک خاستگاهش پزشکی بوده، یکی محیط‌زیستی بوده و... و خاستگاه من هم ورزش است. شاید به حوزه‌های دیگر بروم ولی دلیل نمی‌شود از این موضع فاصله بگیرم. مساله دیگر این است که من در این حوزه کارشناسم. شاید در مورد مسایل مترو، بودجه و... اظهارنظر کنم اما کارشناس مترو نیستم. شاید مدیریت کنم در سطح کلان، اما کارشناس نیستم. من در حوزه ورزش کارشناسم ولی این بحث هم برمی‌گردد به بینش و دیدگاه و رویکرد کسی که رییس‌جمهور یا رییس مجلس می‌شود و به هرحال در راس امور قرار می‌گیرد. هرکس به اقتضایی تصمیم می‌گیرد. مثلا دوستانی هستند که رییس‌جمهور و جامعه دولتش را می‌بینند. آدم‌ها را می‌بینند و حالا تصمیم می‌گیرد چه می‌خواهد. آدم‌ها را امثال من هستند که در دوران مشروت می‌دهند خیلی مهم‌اند. می‌گویند در آمریکا حالا آمریکا هم نگویید من در آمریکا زندگی می‌کنم. بسیار محبوب کشتی بزرگ‌مرد کوچک لقب گرفته بود. خیلی زود مجبور شد تشک کشتی را برای همیشه ترک کند اما خیلی زود به رینگ سیاست پا گذاشت. در حالی که با محدودیت سنی از انتخابات فدراسیون کشتی محروم شد اما در انتخاباتی بزرگ‌تر موفق حضور در شورای شهر تهران را دریافت کرد. او با ورود به سیاست موافقان و مخالفان بسیاری پیدا کرد. پسر محبوب کشتی ایران با ادامه تحصیل یکی از معدود ورزشکارانی است که تحصیلات عالیه دارد. او این روزها نه بر تشک کشتی که بر صندلی شورای شهر نشسته و لابد می‌اندیشد که مبارزه در کدام یک سخت‌تر است: کشتی یا سیاست.

نهفته و از نظر مالی و اسمی بیاید بالا ولی از نظر فکری نباید همین برایش منجلاب می‌شود. یعنی خودش، خودش را خراب می‌کند. آدم‌هایی باید کمک کنند و اینها را بیاورند بالا. ایرادهای کلی ورزش ما اینهاست. شما یک استاد دانشگاه بر زندگی شما تاثیر می‌کند، مثلا در زندگی تختی ببینید چه کسی روی او تاثیر گذاشته که تختی پیشرفت کرده؟ اینکه طالقانی هست.

به هرحال هرکس در زندگی یا خودش زمینه‌اش را داشته و می‌رود دنبال آدم‌هایی که تاثیر می‌گذارند یا آدم‌ها بر سر راهش قرار می‌گیرند. در کنار این آدم‌ها وقتی یک آدم موفقی باشد که راه و چاه را نشانشان بدهد، اینها بعد از یک سنی خودشان می‌توانند بقیه مسیر را بروند.

یک دارد، از یک قهرمان بیشتر است نه؟

خواهش می‌کنم فوتبال را با ورزش‌های دیگر نسنجید. فوتبال در بحث حرفه‌ای‌اش از ورزش خارج شده است. بیزینس است. در فوتبال همه می‌برند. تدارکاتی‌چی هم دارد می‌برد. خبرنگار هم می‌برد. اسپانسر هم می‌برد. فوتبالیست هم یکی از آن افراد است که سر می‌برد. ولی این باعث نمی‌شود ما به ورزش‌های دیگر نرسیم. من می‌گویم کشتی را یا وزنه‌برداری باید سنجید. وزنه‌برداری را با تکواندو سنجید. کشتی را با کشتی دو یا چهار سال قبلش باید سنجید. دولت در بحث جوایز به ورزشکاران فوتبالیستش نمی‌رسد. عین اینهاست. ولی دولت در سرمایه‌گذاری فوتبال؟ این یک بحث دیگر است که من هم قبول دارم.

شما از زمانی که کشتی می‌گرفتید می‌توانستید از درآمدهای حاصل‌شان جز گذران زندگی، یک آتیه خوب برای خودتان درست کنید؟

من هیچ وقت آدم مادی نبودم. شما طی ۲۰-۱۰ سالی که من در تیمملی بودم نمی‌توانید بگویید من از من پیدا کنید که گله مالی کرده باشم. چرا؟ گله درسی داشتم که می‌خواهم درس بخوانم یا آردو شرایطش خوب نیست، ولی هیچ وقت نگفتم‌اما از نظر مالی به من برسید. جز این محبت خدا هم شامل حالم شد و من در یک سطحی قرار گرفتم که آن موقع هم درآمد بالایی داشتم و در سن ۲۱-۲۰ سالگی جزو ورزشکاران پردرآمد بودم.

شما مادی نبودید، ولی حقتان که بوده درآمد خوبی داشته باشید. اینکه شما مکانی را نخواهید یا اینکه به شما نرسیده فرق می‌کند.

این یک نقد کلی است و باید یک سیستم برایش طراحی شود. حتما باید سازمان ورزش می‌گذاشتند. این قضیه به مجلس بفرستند چون مجلس نمی‌تواند این را به صورت طرح بیرد. موضوع به یک بار مالی دارد. مجلس نمی‌تواند به عنوان طرح مطرح کند و بار مالی را دولت بپردازد. من از لایحه که با حضور کارشناسان تربیت‌بدنی باید تنظیم کنند مسئله درآمدی دیده شود. مثلا متخصص کشته برد اساس روز کسی که قهرمان المپیک می‌شود چه می‌گیرد. اینکه یک رییس برود بر اساس دل خودش این حرف را بزند. چون لایه‌اش خوب گرفته است. این قضیه نیست یک رییس سازمانی بیاید چون لایه‌اش بیش رییس‌جمهوری و... قوی است این حرف را زدند. این قضیه نیست. باید قانونا مشخص شود بازی آسیایی و جهانی هر کدام جایگاهش کجاست. جاجهانی جایگاهش کجاست؟ به طاهر همین من می‌گویم بشود یک لایحه باید درست بشود که به روز باشد تا اینکه ما الان مشخص کنیم اینقدر می‌دهیم و بعدا ارزشش کم بشود مثل سکه. دلار یک چیزی مشخص بشود که همیشه برود بالا. ما نباید درست مشخص کنید و تا حدود زیادی قانون کار به همه ورزشکاران بدهید. حتما باید زنان بدانند. حتما باید زنان انگلیسی هم باید بلند که بروز زنان درس بدهد به این می‌گویند رویکرد قابلیت‌ها. آدمی که قابلیت‌های زیادی دارد ورزشکارانی که در کنارش یک کار دیگر باید بل